



تفسیر قرآن مجید

تفسیر سوره رعد

آیه ۳۳ - ۳۵

فریب وجدان

تنبیلات انحرافی روی وجدان اثر نداشته تشخیص آنرا دگرگون می سازد .

۳۳ - بل زین للذین کفروا مکرمهم و صدوا عن السبیل و من یضلل الله فماله من هاد

مکرم و تیرنگ افراد کافر، برای آنان زیبا جلوه نموده ، و از راه (حق) باز مانده اند و هر کس را خدا گمراه کند راهنمایی ندارد

۳۴ - لهم عذاب فی الحیوة الدنیا و لعذاب الآخرة اشق و مالهم من الله و اق

برای آنان در زندگی این جهان عذاب است

مکتب اسلام

و عذاب سرای دیگر سخت تر است ، و کسی آنها را از عذاب خداوند نگاه نمی دارد .

۳۵ - مثل الجنة التي وعد المتقون تجری من تحتها الانهار اکلها دائم و ظلها تلك عقبی الذین اتقوا و عقبی الکافرین النار

و صف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده است (این است که) از دیر (درختان آنها) جویها جاری است ، میوه و سایه آن جاودامی است این است سرانجام کسانی که پرهیزگاری ننموده و سرانجام کافران آتش دوزخ است .

در دوزخ و اعماق روان انسان، دادرسی دانشا و پنداری بنام «وجدان» وجود دارد که زشت و زیبایی اعمال و کردار انسانها درنگ میکند و در محکمه ویژه خود ، سنجگران و بیدادگران را محکوم نموده ، و آثار اذیت می نماید ، چه بسا دیده می شود که چنانکه گران پس از انجام جنایت ، بکسوف راه احتی

باطنی ، در خود احساس میکنند . این ساراحتی و نداشت ، همان فشار و شلاق وجدان است ، که بی اختیار از داخل متوجه انسان میگردد . گاهی

فشار روحی و درد زشتی ، در پرتو وجدان، بحالی میرسد که افراد گناهکار دست بخود کشی بپوشند ، و با خود را به داد گناهانی معسرفی میکنند تا از

۷۴۸

فشار و ضربات وجدان آسوده گردند ، و گاهی مجنون و دیوانه میشوند .

ولی تأثیر قدرت وجدان محدود است ، گاهی تکرار جنایت قیافه عمل را دگرگون میکند ، و دیده وجدان را از گنایماندازد ، و در برابر بزرگترین جنایات ، شو تسردی خود را حفظ میکند ، چنانچه جهان مانند وحجاج ، و چنگیز و «نابلسون» که از دم شمشیر آنها خون مظلومان میچکد ، از قتل و اعدام دهها نفر ، پاک و هراسی نداشتند ، زیرا جنایت بر اثر تکرار ، زشتی خود را از دست میدهد و رنگ عمل عادی بخود میگیرد و احياناً کار زشت لباسی زیبا میپوشد .

گاهی اهداف مادی و علاقه بیک هدف پست دیده وجدان را کور کرده و هر گونه عمل زشتی که گناهت پدید می نماید ، از دیده وجدان ناپیدا می شود و مطابق قانون عدل و انصاف شمرده میشود ، امروز دو ایر قدرک شرق و غرب دور راه متناقض میروند و در این راه جنگها را دامن میزنند ، کشتارها و سیلابهای خون راه میسازند ، و هر کدام عمل خود را با وجدان خود توجیه میکنند و از کشتن هزاران انسان بی پناه پروا نمی دارند ، زیرا علاقه به حفظ هدفهای مادی ، کشته وجدان و کور کننده وجدان است ، عوامل ناپیشتا کنند وجدان منحصر به آنست که گفته شد نیست ، بلکه عوامل دیگری متروک وجدان انسان را فریب دهد .

قرآن در باره فریب خوردن وجدان ، و زیبا جلوه نمودن بسیاری از اعمال زشت ، علاوه بر آیه مرده بحث (آیه ۲۳) در آیات دیگری نیز بحث

شماره ۱۰ سال ۱۴

نموده آنجا که چنین می فرماید :

افمن زین له سوء عمله فرآه حسنا فان الله یضل من یشاء و یهدی من یشاء فلا تذهب نفسک علیهم حسرات ان الله علیم بما یصنعون (فاطر - ۸) آیا کسی عمل زشت او برای او زیبا جلوه نموده و آنرا کردار زیبا تلقی نموده است ، خداوند هر کس را بخواهد گمراه و هر کس را بخواهد هدایت میکند ، (برای اغراض آنان از راه حق) حسرت مغرور ، خداوند از اعمال آنها آگاه است .

خدا نکند روزی قاضی محکمه وجدان ، از کار افتد ، بلهترین اعمال رنگ ضرورت اجتماعی بخود میگیرد از «ترومن» سؤال کردند که آیا وجدان شما از اینکه دو شهر بزرگ ژاپسون را وسیله بمبهای اتمی ، بمباران کردید و نفوس بی شماری از بیماران و کودکان و پیران ، . . . را بصورت توده خاکستر در آوردید ناراحت نند ؟ وی گفت نه : چرا ؟ زیرا این کار بک ضرورت اجتماعی بود اگر اینکار صورت نمیگرفت جنگ ادامه پیدا میکرد و بیش از این تلفات میداد . . . وقت کتبه چگونه وجدان خود را فریب داد : و وحشیانه ترین عمل : رنگ ضرورت اجتماعی به خود می دهد .

مشرکان از آنجا که ایمان و اعتقاد بخدا و حکومت پیامبران را مخالف مرام و اهداف مادی میدانستند و علاقه آنان به هوسهای سرکش و شهوت ، زانی های بی قید و شرط ، آنچه از برده ای در برابر دیده بصیرت آنها بوجود آورده بود ، که پرستش بت و جلوگیری از انتشار آئین اسلام و دهها عمل

۷۴۹

ناشایست در نظر آنها يك عمل صد در صد انسانی و مطابق قانون عدل و اصول اجتماعی جلوه کرده بود ولی در باطن یکذوق مکر و حيله، برای رسیدن به اهداف رودگذر دنیوی بوده است و هدف آنها شانه خالی کردن از زیر بار تکالیف بود و لذا در آیه مورد بحث میفرماید: **بَل لَّيِّنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرَهُمْ وَصَدُوا عَنِ السَّبِيلِ وَمَنْ يَضِلْ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ.**

در بحثهای پیش یادآور شدیم که هدایت و یا گمراه ساختن خدا، مملکت نیست، و تا در انسان يك نوع آماه گوی قلمی نباشد، از هدایت الهی بهره مند نمی شود. و يك چنین آیات هر گز دلیل بر جبر و سلب اختیار از انسان نیست. هدایت و شلالت الهی نتیجه اعمال و عکس العمل صفات درونی و اعمال ظاهر ما است، و تا انسان فکر خود را در مسیر هدایت و کشف حق قرار ندهد، از وسائل هدایت (انبیاء و کتابهای آسمانی) بیبرمائی نخواهد برد و اسرار خداوند

جز این نیست. در آیه سی و چهارم سه نوع کیفر برای افراد کافر تعیین شده است.

- ۱ - گرفتاری در دنیا.
 - ۲ - عذاب اخروی.
 - ۳ - محرومیت از شفاعت در روز بازپسین.
- منظور از عذاب دنیوی همان بلاهائی است که دامنگیر آنان می گردد و نتیجه مستقیم کفر و بی ایمانی آنها است.

عذاب اخروی همان کیفر الهی است. و محرومیت از شفاعت، نتیجه نبودن حامی در روز دستخیز است زیرا شفاعت دارای شرایطی است و ایمان و اسلام از شرایط ضمنی است. و آیه سی و پنجم نتیجه بحث مفصلی را که از چندین آیه پیش، پیرامون حق و باطل آغاز شده متذکر گردیده و سرانجام هر دو گروه را از نظر پاداش و کیفر که یکی بهشت جاودان و دیگری جهنم سوزان است، تشریح کرده است.

نیکو کاری

شش کلمه از احادیث و روایات معتبره

امام مجتبی (ع) می فرماید:

المعروف ما لم یقتد به مغل و لم یتعقبه من والبخل ان یری
الرجل ما انفقہ تلفاً و ما امسکه شرفاً !

نیکو کاری آنست که تأخیری در انجام آن رخ ندهد و به دنبال آن
منفی نباشد. و بخل این است که انسان آنچه را در راه خدا انفاق کرده تلف شده
بندارد، و آنچه را نگاه داشته مایه شرف!